شعلهٔ جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره سوم پنجشنبه ۲۹ حمل ۱۳۴۷هـ - ۱۸ اپریل ۱۹۶۸ع

مابایدٍ از آن اصل فرهنکی پیروی کنیم، که آموزش وپرورش رادر خدمت سیاست توده نی قرار داده وباکار تولیدی درهم می آمیزد. د ر مکاتب ومدارس مختلف بابی کیری تمام پروکرامی را تجویز کنیم، که دانش پژو هان امکان یابند خود رااز نظر اخلاقی، معرفت وجسما نی رشد وتکامل دهند وبه زحمتکشان با معلومات ودارای آکاهی اندیشهٔ های پیشرو مبدل کردند .

پیکار بافرهنگ ملاکی

ونیمه استعماری

جها نبینی علمی بما می آموزد. که فرهنک پدیده ای است طبقاتی ودر واقع فرهنکی که مافوق طبقات و جدا از سیاست باشد وجود ندارد واز اینرو هر طبقه ای که بر مسند قدرت سیاسی تکیه میزند فر هنگ خویش راکه انعکاس دهندهٔ آرمنها وپاسد ار منافع اوست با اسالیب و شیوه های کوناکون ترویج و تعمیم می بخشد .

طبقات حاکمهٔ مرتجع بخو بر آکاهند که فرهنک مترقی و پیشرو در دست توده ها سلاح خصم افکنی است که زمینه را برای به وقوع پیوستن تحولات بنیادی و عمیق آماده می‌سازد از اینجا ست که فرهنک نوین همواره با دشمن سر سخت و روش کین توزانهٔ طبقات بهره کش وکلیه ستمکارا ن و سردمداران جهان کهن وپاسداران نظامهای فرتوت وزوال یابنده رو بر و شده است زیرا آنان در این فرهنک سیمای شکست نا پذ یر ترین دشمن طبقاتی خو یش را می بینند .

طبقه حاکمهٔ کشور ما که دشمن سو کند خوردهٔ اندیشه های پیشرو ومخالف نر مش نا پذیر بلند رفتن سطح آکاهی سیاسی مردم است فرهنک تاریخ زده وقرون وسطائی خویش رابادسایس وحیل بر مردم تحمیل می کند وهما نکو نه که در زمینهٔ اقتصادی از دادن امتیازا ت ننکین واسارت بار به امپریالیست ها ودنباله روان نوین آنها خودداری نکرده امور فرهنکی کشور را نیز بدست آنان سپرده است .

کشور های امپر یالیستی و مدافعین استعمار نوین نیز از آنجایی که از او جکیری جنبش های نجات بخش ملی وتجلی ارادهٔ مردم هراس دارند در پخش وکستر ش این فرهنک زهر آکین تلاش می ورزند زیرا برای تا را جکری آنها محیط مساعد، ایجاد می کند .

طبقهٔ حاکمه کشور ما سخت در تلاش است تا ما هیت پو سیده و منحط فر هنک خو یش را در پرد هٔ سالوس وریا بپو شاند و بلند کویان و سازمانهای نشرا تی وابسته بدولت از بسط و توسعهٔ دانش از معارف متوازن ، از شیوهٔ آموز ش وپرورش مترقی واز انکشافات علمی وهنری سخن می رانند ولی تلا ش آنان تلاشی است ناکام ومذبوحانه که به شکست و رسوایی می‌انجامد زیرا واقعیت های عینی بیا نکر آنست که افغانستان کشوری است استعمار زده و کرفتار سر پنجهٔ اهر یمن مقررات فرتوت ، کشوری است که اقتصاد آن در مسیر زیان بخش ونا سالمی سیر می کند ، کشوری است که در زمینهٔ تولید ، بخش آموزش وپرورش وخلاقیت علمی و هنری سالها از سطح جهانی عقب ما نده است .

در چنین کشو ر دستکاه پو سیده بد ا نکو نه که نمی تواند شرایط تامین رشد سریع اقتصادی را فراهم آرد نیروی پایه کذاری بنای یك فرهنک شکو فا ن را نیز ندارد .

در کشور ما طبقات زحمتکش از فرا کرفتن دانش محرو مندو دروازهٔ های مکاتب و موسسات به اصطلاح علمی بروی فرزندان رنجبران ، دهقانان و بسیاری از نیمه رنجبران بسته است وآنانی هم که این بختیاری عظیم ! را حاصل می کنند پس از سالها مغزفر سایی حتی به مبا دی ومقدمات دانش بدرستی آشنا نمی شوند چه اساساً بر نامه های آموزشی که بوسیلهٔ کار شنا سان ومشاورین ممالك امپر یالیستی ، تنظیم می شود از تحری حقیقت و رشد افکار مترقی جلو کیر ی می

(در ص ٤)

داکتر هادی محمودی

ورشکستگی راه رشد غیر سرمایه

دا ری در هند

بیش از بیست سال است که هند آزادی سیاسی خودرا بد ست آورده است حزب کانکرس ملی که دردوران مبارزات آزادیخواهی ملی بیش از سایر احزاب سیاسی درهند فعالیت ونفوذ داشت، پس‌از آزادی حاکمیت دولتی رادر اختیار خویش کرفت . دراوایل از آنجائیکه هند لکه های سیاه استعمار شوم راهنوز بر چهره خود احسا س میکرد دولت جوان، سیا ست اقتصادی باالنسبه معتدلی را در پیش کرفت، به بلاك های نظامی نه پیوست، بیطر فی اختیار کرد وبه استقراضی خا ر جی پرداخت، به‌تدابیری جهت اصلاح حال دهقان دست زد وسکتور دولتی اقتصاد را بنیان کذاشت وبه همهٔ این اقدامات عنوان «سوسیالیزم» داد. در حقیقت حزب کانگر س ملی از سرمایه داران بزرك وزمینداران بزرك ترکیب شده‌بود، سرشت طبقاتی این حزب، باآنکه در مبارزات آزادیخواهی رهبری رابدست داشت بهیچ‌وجه مترقی نبود. سیا ست دو لت هند نیز (وازانجمله سو سیالیز مش) در درجه اول و همیشه برآوردن وتاحد امکان تامین منافع طبقات سرمایه داران وزمینداران بزرك هندی بوده است. در چنین شرایطی برخی از به اصطلا ح «مترقیون» هندی برای پیشر فت واقعی هند، برنامه های طرح‌ریختند که ما هیت آن‌را می‌توان راه رشد غیرسرمایه داری خواند. آن‌ها می کفتند، دروضع کنونی هند، لازم نیست مبارزهٔ پی کیر وقاطع علیه حزب کانکرس ملی بعمل آید، بلکه می‌توان چنان شرایطی ایجاد نمود که از یکسو بر مبنای تقویه‌سکتور دولتی، از نفوذ اقتصادی (ودرنتیجه سیاسی) امپریالیست های خا ر جی وهم چنان از رشد سرمایه دا ر ی خصوصی داخلی هند جلو کرفته و بدینترتیب آزادی اقتصادی وسیاسی کاملی برای کشور تامین کرد واز سوی دیکرهمزمان‌باتحولات نامبرده در زمینه اقتصادی، فعالیت توده‌ها را درراه های مبارزات پار لمانی و مسالمت آمیز سوق داده وازراه تحصیل اکثریت های پارلمانی به ایجاد حکومت دموکراسی ملی‌تحقق بخشید. آن‌ها مدعی بودند، که‌برنامه ایشان بادر نظر کرفتن شرایط مشخص هند وتحولات عمیق جهان کنونی طرح‌شده ودور ازتجرو کهنه فکری بوده‌وچیزی خلاق‌وابتکاریست آن‌ها می‌کفتند نباید سیاست مترقی حکومت نهرورا از نظر دور داشت. نباید نقشی توازن نیروهای جها نی راکه هردم‌روبه تغیربه نفع‌خلقهاست نادیده کرفت ونباید بعوامل‌اقتصادی ایجاد حکومت دموکراسی ملی درهند کم بها داد از آنجاکه محك هرنظریه وهرادعا، عمل وتجربه است، اکر عمل وتجربه نتایجی ببار آورد که صحت ادعائی را تائید کند آنکاه می‌توان ادعای مذکور را علمی خواند وپذیرفت والا خیر .

تجربه بیست ساله هند چکونه بوده است ؟

سکتور دولتی در اقتصا د هند رشد بی نظیری یافته، سرمایه مالی موسساتی که در سکتور دولتی‌حصه دارند، تقریباً نصف سر مایه ما لی تمام موسسات هندی را دربرمیکیرد قرار احصائیه های حکومت هند، در ظرف هشت سال، از سال مالی ۵۷_ ۱۹۵۶ تاسال ۶۵_۱۹۶۴تعداد موسساتی که در «بخش عامه» شامل اند از هفتادو چهار به ۱۸۳

«باقیدارد»

قهرمانان فنا ناپذیرند

شانزده سال پیش از این (۳۱حمل ۱۳۳۱) در اثر مداخلهٔ دو لت در انتخابات پارلمانی کرو هی ازروشنفکران ، محصلان پو هنتو ن ودانش آموزان مکاتب به پیشاهنکی دکتور محمودی فقید دست به مظاهره زدند . زیرا طبقه حاکمه نمی خواست دکتور محمودی و عدهٔ دیکری از نمایندکان که از تر یبون پارلمانی بمثابه آلهٔ افشای طبقهٔ حاکمه کار می کرفتند ، در پارلمان شرکت داشته باشند .

اکر چه این جنبش دیموکرا تیك بوسیلهٔ پاسداران ارتجاع سرکوب شد ولی تاثیر آن بر اذهان مرد م ما تاثیری است رزم انکیز ، عظیم وذیر پای .

جریدهٔ شعلهٔ جاوید که سنن پرافتخار انقلابی خلق افغانستان و خلقهای سراسر جهان را بدیده‌بزرکداشت می نکرد میخواهد با این نوشته خاطرهٔ آن جنبش ارزشمند و پیشا هنك فقید آن دکتور محمودی را که در سراسر زند کی‌سیاسی خو یش در راه کستر ش اندیشه‌های‌پیشرو ومتشکل‌ساختن‌نیرو های مترقی افغانستان تلا ش کرد و مانند مشعل فرو غنا کنی‌راهنمای همراهان و همر زمان خود بود، در اذهان مردم ما زنده سازد.

خلق افغانستان هیچکاه نخواهدکذ اشت که شعلهٔ مبارزه به افسردکی بکراید واین سمت کشش طبیعی ستم کشان است این کشش نیرو با وجود تلاشها و فسونهای اهر یمنی بید ا د کر ا ن خود را بسوی‌جلو بسوی افق سرخ پیروزی و رهایی خلقها می‌کشاند.

بکذار پیکار های پرافتخارآزاده کان پیشین الهام بخش مبارزان امروز باشد .

درود بر قربانیان راه آزادی .در ود بر محمودی فقید فر زند قهرمان خلق افغانستان

انجنیر محمد عثمان

انعکاس اندیشه‌های زهر آگین

در جریانات سیاسی

در نیمه اول قرن بیستم درست بعد از نخستین جنگ جهانی یعنی آنگاه که کمر امپر یالیست های فرانسه وانگلیس در زیر بارقروض امپریالیسم امریکا خم کردیده وتازه این کشور مقام خودرابحیث نخستین وبزرگترین کشور سرمایه داری تثبیت میکرد استعمار کهن که هستهٔ ضد آن در کشو رهای عقب مانده روبقوت بود واستعمار گرا ن کهن را در آتش خود میسو خت رو به زوال رفت تا آنکه دو مین جنگ جهانی کلیم استعمار کهن رادرقسمت اعظم دنیا درهم چیدولی از آنجا که «مرتجعین به اختیار خود از ستیژ تاریخ کنار نمیروندوتا آخرین‌مرحله ساطور قصابی را از دست‌نمیکذارند وبودانمیشوند» استعمارکهن‌قیافهٔ خود را با آب ورنک تازه تری‌مکیاژ کرد وبشکل استعمار نو در صحنهٔ ملل عقب مانده ظاهر شد یعنی در واقع طبق ضرب المثل قدیمی ما شمشیر را از کف نهادند وتذ ویر را بدست کرفتند شیوهٔ عمل‌استعمار نوین در طریق کمک‌های بلاعوض(۱) ودوستی ها ومنافع متقابل (!)تجلی میکند اما اینجا بینش ژرف و همه جانبه در کار است تا مشاهده نماید که منافع متقابل بین ظالم ومظلوم یعنی استثمار اخیرالذکر برچه‌منوال است ببینیم فرضیه استعمارنویعنی چی ؟

ممالك بزرک امپریالیستی برای جلوکیری از بحران داخلی خویش ناکزیر از صدور سر مایه وتاسیس مؤسسات تجارتی در سایرکشور ها هستند زیرا از نخستین جنگ‌جهانی بدینسو سرمایه داری بین المللی ودر رأس‌آن سرمایه داری امر یکا بدست شرکت های‌انحصاری(کارتل وتر است) متمرکز کردیده است‌لذا دنیای سرمایه داری امریکا بدست دنیای سرمایه داری نا کزیر است تا برای جلو کیری از حاد شدن‌تضاد کار وسرمایه در کشور خویش از یکسو وسر ازیر نمودن ثروت سرشار کشور های عقب مانده به کیسه سرمایه داران وتأسیس یك بازار دایم التوسعه از سوی دیگر مسأله «مواد خام بده کالای صنعتی بکیر» رابحیث شعار روز خودقرار دهند .

بعداز جنگ جهانی دوم ببردهن دریدهٔ استعمار کهن در جامهٔ یك میمون شیاد بااسماء والقاب‌فریبندهٔ ماندا‌ها ، دومینیون ها ، کامنولت‌ها وبالاخره کمك (!) به کشور های باصطلاح کم رشد تظاهر کردند و آنانیکه تا دیروز برای تسکین اشتهای کاذب خویش جهان را به توپ وخمپاره بسته بودند نقا ب دایهٔ مهربانتر از مادر به او گرفتند تازه وقتی کار ماندا ها ودو مینیو ن ها نیز به رسوایی وافتضا ح کشید امپر یالیست ها ودر رأس آن امپریالیست های امریکا متوجهی دسیسه سازی و یافتن عمال وایاد ی در داخل کشور های آسیا ، افریقا امریکای لاتین کردیدند و آنسانیکه بنیان کذار اید یالوژی پیشر و پیشبینی میکرد سرمایه داری بین المللی شیوهٔ تولید خود را جهها نی ساخت و با این عمل خود در کشو ر های عقب مانده طبقهٔ نوینی راکه با استعمار بین المللی و حدت منفعت مستقیم دارد بوجود آورد این‌طبقه تاجر دلال (کمپرا دور) است که حامی سیاسی آن تاجر برو کرات میباشد از سوی دیگر برو کراسی این کشور ها که کاری جز رشو ه خواری ،اختلاس ،قا چاقبری‌ودزدی ندارند عایدی راکه از طریق رشوه خواری ها وقا چاقبری های مدا و م خود بدست میا ورند چون اقتصاد زراعتی نوع کهن دامنگیر کشور های شان است این برو کرات ها نیز زمین می خرند که این خود ملا کین شان رابه ملاك وابسته به زمین ،ملاك بروکرات تفکیك میکند که ملاك برو کرات دارای پایه ومایهٔ سیاسی است و زراعت کشور خودرا در مسیر منافع استعماربین المللی یعنی تولید مواد خام (پنبه وغیره) سوق میدهد ودر واقع‌این قشرملاکان نیز با امپریالیسم بین المللی وحدت منفعت دارند .

در سالهای اخیر که انحرافا ت تأسف آوری چون علف های هرزه در بو ستان اید یالوژی مترقی‌جوانه زد وبدعتکران آن مبارزهٔ طبقاتی در مقیاس بین المللی د ست به رقابت اقتصادی مسالمت آمیز با سرمایه داری زد نـد (که بازار این رقابت بالطبع کشور های عقب ماندهٔ است) دیگر ریفورم های صد درصد ارتجاعی در قالب اید یالوژی مترقی جازده شد که دنباله روان منحرف آن به مدا فعین استعمار نو ین‌تغییر شکل دادند . این معامله‌گران‌سیاسی عصر ما بدون در نظر گرفتن ماهیت طبقا تی د و لت نسخهٔ یک ر و ش ا قتصا د ی بر و کراتیك نیمه استعماری رابنام باصطلاح راه رشد غیر سرمایه داری به‌کشورهای عقب مانده تجویز کردند تا بجاییکه مرتجع ترین حکومت ها و جر یا ن های مربوط بدستکاه حاکمه این نسخه را دست بدست کردند و در مرامنامه های خود جازدند ولی‌تجویز کنندگان منحرف آن با ایقان‌به‌اینکه طبقهٔ حاکمهٔ کشور های عقب مانده را ملاك بروکرات وتاجر برو کرات تشکیل میدهد و تقویهٔ باصطلاح سکتور دولتی نه تنها از تأسیس‌یك اقتصاد سالم ملی جلو گیری میکند بلکه خود مو جب پیدایش یك‌سرمایه داری بروکراتیك میشود برای اغفال توده ها واستحکا م بنیاد طبقاتی

«درص ۳»

داکتر عبدالله محمودی

جنگ پیروزمندانه خلق ویتنام

بیست و هشت سال قبل خلق ویتنام به‌مبارزه قهرمانانه علیه امپر یالیسم دست زد ، که درنتیجه در سال ۱۶۵٤ سلطه استعما ر فران فرانسوی را در خاك خود بر انداخت وبر اساس کنفرانس ژنیو صلح در انجا برقرار شد .ولی دیری نگذشته بود که امپر یالیست ها ی امریکائی به بهانه کمك های نظامی واقتصادی بتدریج جای استعمار فران فرانسوی را اشغال نمودند .

امپر یالیست های امریکائی به منظور تحکیم رژیم نگودین دیم مشاورین نظامی خود را به ویتنا م فرستادند وارد‌وی مزدور را تاسیس کردند ، بعدا ویتنام جنو بی را بعضویت پیمان سیاتو که در سا ل ۱۶۵٤ تاسیس شده بود دراوردند که این اقدامات‌مخالف روحیه‌موافقت نامه های ژنیو بود، همچنین‌موافقت نامه ژنیو ـ حاکمیت استعمار کهن را در ویتنام پایان دادوحق حاکمیت استقلال ،وحدت و یکپارچکی‌ویتنام را برسمیت شناخت، هکذا درمقاوله ذکر کردیده بود که بتاریخ ۲۰ جولای ۱۶۵٦ بمنظور وحدت دوباره و مسالمت‌امیز خلق ویتنام‌انتخابات ازاد و عمومی در سراسر ویتنا م صورت کیرد ولی حکومت دست نشاندهٔ امریکا در ویتنام جنو بی باین موافقت نامه وقعی نکذاشت و با همکاری امریکا علیه منافع خلق ویتنام عمل کرد. درپنج‌سال‌اول‌پس ازمقاوله نامه ژنیوخلق‌ویتنام بمنظور تامین وحدت واستقلال دست به مبارزهٔ مسالمت‌آمیز زدندولی‌ارتجاع آنها را مجبور ساخت راه انقلا ب اکست یعنی‌راه‌مبارزهٔ‌مسلحانه‌را در پیش کیرند . اتحاد نیرو های دیمو کراتیك بیك ضرورت تاریخی مبدل شد بناءاً جبهه آزادی ملی ویتنام‌بوجودآمده که‌امروزعلیه‌ارتجاع داخلی وامپر یالسم امریکا به پیکار مقدسی مشغول است .

جبههٔ آزادی مرکب از سه حزب انقلابیون ملی ، سو سیا لیست رادیکال ودیموکرات می‌باشد ــ بر علاوه تعداد زیادی از سازمانها ی کار گری ودهقانی وانجمن ها ی مذهبی که مجموع شان به ۳۰ سازمان میرسد در جبهه آزادی‌ملی اشتراك دارندهدف‌جبهه براندا‌ختن سلطه امریکا از و یتنام و تاسیس دولت مستقل ملی است که بتواند عقب ماندگی را که خود میراث استعمار است هر چه سریعتر از بین ببرد . جبهه آزادی ملی که از ١٤ ملیون خلق کشور نماینده گی میکند جداً مصمم است تا پیروزی نهائی بجنگد . چنانچه از شرو ع جنگ عادلانهٔ ضد امپر یالستی خود از جمله ۱۷۰٫۰۰۰ کیلو متر مربع مساحهٔ خاك ویتنام جنو بی ٤٫٥ حصهٔ آنرا از دشمن رها سا خته و هم اکنون ۲٫۳ نفوس کشور در مناطق آزاد شده زندگی میکنندجبهه ازادی ویتنام در طول هفت سا ل جنک عادلانه ضد امپر یالستی ۱٫٥ ملیون نفر از عساکر دشمن‌را نا بود کرده که در آن جمله ۲۰۰٫۰۰۰ نفر امریکائی شا مل هستند ، ۸٥٦۰ فروند هوا پیما ، ۱٥۸۲٥ عراده و وسایط نظامی را نابود و ٤٦۱۲ کشتی جنکی را غرق ٤۷٥٤ پاشکاه دشمن را تخر یب و۱۲۰۲ پل را منفجر نموده اند .

موج انقلاب در ویتنام جنوبی در سال ۱۹٦۷ وارد مرحله نو ینی‌شد چنانکه این سال برای امریکا سال شکست و یاس در ویتنام ، سال بحران دالر وحاد شدن مبارزهٔ طبقاتی در امریکا بود ، جنگ‌ویتنام ومصارف هنگفت نظامی ان فشار بزرگی از حیث بلند رفتن تکس ها کاهش عواید طبقه کارگر بالای طبقات محروم وزحمتکش وارد نمود که در نتیجه در بیش از ۱۰۰ شهر امریکا چندین ملیون نفر در مبارزهٔ ضد سیا ست تجاوزی حکومت امپر یالستی امریکا شرکت کردند ولی بر عکس همین سال برای خلق ویتنام سال پیروزی و مو فقیت بود چنانکه درین سال ۲٦٥٫۰۰۰ نفر عساکر دشمن که منجمله ۷۰۰۰ نفر آن امریکائی بودند و۸٥۰۰ عراده و وسایط نظامی، ۲۲۰۰فروند هوا پیما و ۲۰۰ کشتی نظامی‌دشمن را نا بود کردند سال جاری نیز سال پیروزی‌خلق ویتنام و شکست امپر یالیست ها ودنباله روانشا ن می‌باشد چنانچه در دوماه اول سال ۱۹٦۸ نود هزار نفر عسکر دشمن توسط ویتکانکها کشته ویا اسیر شدند که از جمله ۲۰٫۰۰۰ نفر امریکائي بود بر علاوهٔ آن ۲۰۰نفر عساکر دشمن به ویتکانکها تسلیم شدند ، ۱۸۰۰ فروند هوا پیما و ۱۳۰۰ عراده وسایط دگر نا بود شدند و ۹۰ کشتی جنکی دشمن غرق شد .

مدتها ست که امپر یالیسم‌امریکا در سرزمین ویتنام بز ا نو در آمده متحدین ودنباله روان خود را بکمك می طلبد ولی هیچ نیرونی نتوانسته که از شکست حتمی آنها در آنجا جلو کری نماید نه متحدین ودنباله روانش‌ونه‌بمب‌های‌توکیسك (زهری) ، نه اسلحهٔ مدرن و نه دالر امریکائی .

سوالی بمیان میاید که علت چیست، بزرکترین‌قدرت‌امپریالیستی قرن بیست با وجود کمك یا رانش در مقابل کشور کو چکی که دارای ١٤ ملیون نفوس می باشد به زانو درمیباید ؟

۱) علت او ل آنست که جنگ امریکا در ویتنام جنگ غیر عاد لانه است که بر ضد حق حاکمیت‌ملی‌وحقوق‌دیموکراتیك

«درص ۳»

«از ص ۲»

انعکاس اندیشه های زهر آگین درجریانات سیاسی

دستگاه حاکمه پیرامون اقتصادوسیاست کشور ما چنین رجزخوانی میکنند :

«به موجب وظایف جدیداقتصادی که دولت افغانستان در سومین برنامهٔ ۵ساله مقرر نموده است قراراست درزمینهٔسرمایه گذاری تغییرات بنیانی صورت داده شود ...

در سومین برنامهٔ پنجساله تولیدات صنعتی با سرعت زیادی پیشرفت خواهد نمود حجم مجموع محصولات صنعتی با سرعت زیادی پیشرفت خواهد نمود حجم مجموع محصولات صنعتی باید ظرف پنجسال ۹، ۲ برابر گردد قدرت کارخانجات برق یك برابر ونیم افزونتر میگردد. در سال ۱۳۵۰ یعنی در آخرین سال سومین برنامه پنجساله ۵ ، ۲ برابر سال ٤۵ نیروی برق تولیدخواهد شد . . .

... ظرف پنجسال ۳۸۰ مدرسه افتتاح خواهد شد وعدهٔ دانش آموزان دبیرستان ها به ۶۸۰ هزار نفرخواهد رسید. عدهٔ دانشجویان دانشگاه ها وآموزش گاه‌های عالیه ظرف پنجسال ۳۸ در صد افزایش خواهد یافت.

حقایقی که در اینجا ذکر شد گواه آنست که سومین برنامهٔ پنجساله به معنای ورود افغانستان به‌مرحلهٔ جدید بسط وتوسعهٔ اقتصاد ملی وپیشرفت جدید اجتماعی میباشد . »

در حالیکه نگاهی کوتاه به منابع مالی موجود در کشور وابستگی بیشتر مارا به امپریالیسم ومدافعین استعمار نوین نشان میدهد ،کندی شرم آور رشد فرهنگ اصلا ارزش بحث وگفتگو را ندارد . سرانجام این تبلیغات گمراه کننده نتایج آتی را نیز بدنبال دارد .

۱ـ برای مرتجعین کشورهای عقب‌مانده وحکومت های ضد ملی ایشان وسیله بیست برای برپا کردن گرد باد تبلیغ وبروپاکند به خاطر تحکیم و حفظ منافع خویش وسرکوب نمودن خواسته های اساسی مردم محروم کشور خود به وسیلهٔ این آسبرین بایری که ظاهرا « مسکن کلیه دردهاست » .

۲) تأیید اصلاحات نیمکاره ونیم بند حکومت های ضد ملی، توسط جریان های به‌اصطلاح سیاسی این کشورها که زیر تأثیرهمچوانحرافات آگاهانه ویا غیر آگاهانه به طبقات فاسد وارتجاعی کشور خود خوش رقصی میکنند ولی ما اندازقامت این معامله گران سیاسی را در هر جامه که ببر کنند می شناسیم وحنای شان نزد ما رنگ باخته‌است.

بهر صورت این عوامل استعماری واندیشه های زهر آگین به علت اینکه در ترکیب طبقاتی کشور های عقب مانده مؤثر اند در بوجودآوردن جریان های گوناگون باصطلاح سیاسی نیزکه بالطبع صبغه‌طبقاتی دارد اثر میکند حتی جریان های که معلول نظریات مدافعین استعمارنوین است با ماسك جريان‌های مترقی(!) روی صحنه می‌آیند ولی درست مانند فلس ماهی که دینار نیست اما دینار نما هست اینگونه جریان‌ها تافرصت کوتاهی میتواند توده‌های محروم‌رابه امید آب به سوی سراب برند نتیجه برای جریان های واقعا ملی‌که خواستار دگر گونی عمیق اجتماعی وسیاسی باشند مبارزه با این عمال ومدافعان استعمار نو و کهنه اهمیت قاطع وحیاتی کسب می نماید همچنان نگاه کوتاه به‌جهان برهیاهوی ما نمودار این حقیقت مسرت بخش است که عصر زوال امپریالیزم فرا رسیده ودیگر حتی قدرت اتومی امپریالیزم امریکا هم قادر نیست ویرا از توفان جنبش آزادیخواهی وخشم‌عادلانه ملل آسیا ، افریقا وامریکای لاتین نجات دهد پیروزی های کبیر خلق قهرمان ویتنام شکست ننگین وافتضاح‌آمیز امپریالیزم امریکا را نوید میدهد جهان ما به نفع خلق ستمکش‌ومظلوم آبستن تحولات عظیم میباشد بناء در چنین حالتی فقط اندیشه های عصر زوال امپریالیزم است که بحیث سلاح نیرومند و شکست ناپذیر خلق های ستمکش جهان موقعیت خودرا تثبیت میکند واین خود مقتضی آنست که امپریالیست ها ومدافعین استعمار نوین ازصحنهٔ ملل مظلوم تجرید وبکلی طردگردند نه اینکه به ایشان فرصت مصالحه وسازشکاری داده شود وضع‌مساعد کنونی (مبارزات خروشان خلق‌های ستمدیده بر ضد بهره کشان) یگانه معیار تشخیص جریان مترقی از غیر مترقی است جریانی‌که بطورصمیمانه وجدی (درعمل ونظر) از جنبش‌های آزادی بخش ملی ملل آسیا افریقا، امریکای لاتین وهمچنان از تشدید تضاد کار وسرمایه در کشور های امپریالیستی قاطعانه پشتیبانی کند وآنرا خطری برای صلح جهان ندانسته بلکه اهرمی برای رهایی خلق ها از قیداسارت وبزدگی تلقی کند مترقی است در غیر آن جریانی وجود ندارد مگر آنکه عمال وایادی امپریالیزم ، مدافعین استعمار نوین وارتجاع باشد وتفکری یافته‌نمیشود مگر آنکه انعکاس اندیشه های زهر آگین واستعمار باشد .

«از ص ۲»

جنگ پیروز مندانه خلق ویتنام

خلق بخش جنوبی ویتنام جریان‌داردومخالف جهت جریان تاریخ است .

۲) خلق بخش جنوبی ویتنام که‌بدور جبهه آزادی ملی گرد آمده اند وجبهه بزرگ ووسیعی که‌اکثریت اعظم خلق را بر اساس یك برنامه معقول ومنطقی متحد ساخته‌است بوسیلهٔ‌جنگ انقلابی وعادلانه با جنگ تجاوزی ضدانقلابی وغیرعادلانه امپریالیست های‌امریکا مقابله میکنند ، جنگ انقلابی که‌بر اساس احساسات عالی ناسیونالیستی ، دیموکراسی طلبی‌وروحیهٔ انقلابی تسلیم ناپذیری خلق متکی است . خلقی که هیچگاه‌حتی در مقابل و حشیانه ترین حملات و تعدی دشمن عقب نشینی نمیکند .

۳) خلق بخش جنوبی ویتنام با درك قوانین‌استعمارنوین‌وقانون‌مندی جنگ عادلانه مشی درستی‌را اتخاذ نموده ، انواع مختلف مبارزه را درهم آمیخته و بکار میبرند ونقشه های‌تجاوزی دشمنان راخنثی میسازند ،پیروزی خلق ویتنام این حقیقت را ثابت میسازد که :

در عصر کنونی ما یك ملت هر چند کوچك وضعیف باشد همینکه متحد گردید، قیام کردوآمادهٔ‌فداکاری در راه آرمانها و اهداف خود شد وبایك‌خط مشی سیاسی‌صحیح پیکار نمودهیچ‌قدرت‌امپریالیستی در جهان حتی امپریالستم امریکا بر آن غلبه یافته نمیتواند .

در این اواخر امپریالیست های امریکا اعلام کردند که تجاوز خود را به ویتنام شمالی محدود ترسازند ولی بعضی محافل مداح جهان به اصطلاح آزاد ومدافعین استعمار نوین این عمل را بمثابه نیت خیر خواهانه امپریالیست های امریکا تلقی کردند ـ ولی خلقها ی آسیا ، افریقا وامریکای‌لاتین مسلماًمیدانند که امپریالیسم هر نقابیرا که بر چهره کشد هرگز طبیعت متجاوز وجنگ افروزانهٔ خود را تغییر نمیدهد ولو این عقب نشینی‌موقتی بمنظور کاهش بحران دالر ویا به منظور استفاده جوئی در انتخابات ریاست جمهوری باشد .

سرانجام خلق ویتنام پیروز میشوند زیرا نه تنها از حمایت بیش از هزار ملیون نفوس بشریت مترقی وخلقهای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین بر خوردار است بلکه طبقه کارگر وزحمتکشان کشور های سرمایه داری نیز پشتیبان آنهاست .

محمد هاشم (زمانی)

دزمانی تغیر

خنخیر دظلم شی یری مظلومان‌آزاد وی
پدی‌خنخیردظلم ظالمان بند یا نوی
تغیر دوخت پید اشه زمانه‌رنگ بدلوی
ظالم‌ورکی‌به لاس‌کښی‌غریبان شادانوی
دظلم خنخیر زنګ‌شه دظالم جادو ماتیږی
اوس خونه دجادو همدا خوران ویرانوی
تغیرد زمانی دی‌چه دا رنګ‌کوی کارونه
وخت بل‌شه‌نغمه بله مظلومان فرحانوی
دمورد غیږ نه وړما شومان‌داشان‌به آواز کړی
چه مړدی‌شی‌ظالم چه عاجزان پریشانوی
زاړه مطربان تول آهنګ دسازخپل بدلوی
وخت‌بل زمانه‌نوی‌مطربان اعلانوی
دزوړ مطرب د سازآوازومیانځه‌نه ورکیږی
مطرب‌نوی‌سرود په‌ښه هیجان رو انوی
تغیر د زمانی دی‌هوښیاره‌پدی‌پوه شه
د ژوند لوی‌آواز شه هوشیاران حیرانوی
بدل زمانی رنګ کړه ارمغان‌نوی راوړ
افغان به ژوندخبر شه ظالمان گریانوی

هر کسی در برابر خلق قدعلم‌کند ، بدست خلق سر نگون‌خواهد شد ، هر کسی‌در جهت مخالف‌روندتاریخ حرکت کند ، بدون تردید روند تاریخ او را نابود خواهدکرد .

انجنیر محمدعثمان

- ۲ -

مونږ د جامعی د اوسنی طبقاتی

روابطو یوه څیړنه

اوسنی ټولنی نمړی قشر یوه متزلزله سیاسی مو قف لر ی او په بعضی اوقاتو کی ئی نور مشخصو شرایطو لاندی تر معینو درجوپوری تولای سی چه دحلت په قطار کی ودر یږی .

دیوړو مادی نعمتو د تولیدخرخونکی د مملکت مولده طبقات دی چه په رنجبر، نیمه رنجبراوبزگران ویشل شوی دی .

درنجبر طبقه چه ډیر اکثریت او دتولید هیڅ وسیله نلری په ښنا رونو کی عموما په نیمه استعماری صنایعوکی او په معدن او په کلیو کی د ملاکینو او د متو سطی طبقی دغړوپه خدمت بخت دي .

نیمه رنجبران نه په ښارو او نه په کلیو کی دی که څه هم د تو لید ابتدائی وسایلو څښتن دی خپل ژبلی زوند یواځی د خپل شرا فتمند کار او تولید څخه تامینوی او دا طبقه زموږ د جمعیت تقریبا په سلو کی زیاته بر خه تشکیلوی ز مو ږ کږدی بزگران تشکیلوی او څرنګه د تولید شیوه ملاکی ده نوپه حقیقت سره د تولید اسا سی قدرت او د دارائی اصلی مولد په مملکت کی دا طبقه ده داستثمار گرو اقتصادی او اجتماعی کتبه وړو نکی پشه د بز گرو په با قو ته او ژه ولاړه ده او دجامعی د ژوند څرخ د خپل په هردور کی د دوی پر بد بختیو نور هم زیاتوی . دتحلیل په آخرینه کی دما لیاتو هر رنگ . دروند بار په مستقیم یا غیر مستقیم ډول د دوی په اوږو بار یږی . داقتصا دی او اجتماعی اوسنی وضعیت په بدلون دا طبقه خورا مهمه قدرت تشکیلوی.

هر یوه جریان چه زموږ دهیواد دنوی کو لو دعلمی تفکر پراساس غو ښتو نکی دی باید دبز گرو طبقی اهمیت دمخ کی ذکرشوی هدف د رسیدو د پاره جدی په نظر کی ونیسی .

له پورته حقا یقو نه دا څرگندیږی چه د یو واقعی دمو کرا سی تامینول زموږ دعصر پیشرو داند یښنو پر اساس (چه د امپریالیزم د زوال عصر دی) هغه جریان چه غواړی خلك ته خد مت وکړی باید په رنجبرو د پیش آهنگ په حیث نیمه رنجبران او بزگران د متحده اوعمده قدرت نژدی رنجبرو ته او متو سطه طبقه درنجبرو متحد دوست په څیر تکیه وکړی .اوپه مشخصو شرا یطو کی وکولای شيچه دمتوسطی طبقې لمړی قشر خپل رهبری لانـدی را وړی تر څو چه د خلك پـر دښمن باندی بر یالی شی .

پیکار با فرهنگ ملاکی و نیمه...

کند ومشتی اراجیف وطالات رادر مغز دانش آموزان می گنجاند .

در کشور ما همپای استبداد طبقاتی و استثمار و عقب‌ماندگی ددهستا منشانه ستم ملی نیز بیداد می کندوبخش سزاوار توجهی از مردم مملکت حق درس خواندن بزبان‌مادری خویش راندارد ودرزادیو ی دولت کوچکترین مطلبی بزبان آنا ن پخش نمیشود وحتی بمعر یدسمی در روز نامه ها وجراید دو لتی نوشته یی را بزبان مادری خو یش نمی یابند چون طبقهٔ حاکمه سرنوشت خود را بـ سر نوشت امپر یالیسم و ارتجاع بین المللی وابسته میداندوتوانائی اتخاذ روش آزادانه ای مطابق با مقتضیات رشد کشور ما را ندارد ، دروازه هـا ی کشور بروی فرهنگهای فاسد ممالك امپر یالیستی باز است .

وپخش فرهنگ ارتجاعی طبقهٔ حاکمه فاقد هر گونه آفر یننده گی وتحرك سود مند است گروهی از جوانان وروشنفکران مرادزسراشیبی سقوط شخصیت و لا ابا لیگر ی وبی اعتنایی به مسایل سیاسی و اجتماعی سرا زیر ساخته است .

هنر وادبیاتی که دولت مروج آنست از شگفتن و بالیدن قریحه های نیرو مند جلو گیری می کند و مداحی و دلقکی و شارلا تانیسم را توسعه می دهد .

در این مرحله برسر سپرد گا ن فرهنگ مترقی و پیشرو است تا در راه‌تحقق‌اندیشه دموکراتیك‌نوین مبارزه کنند زیرا در فش فر هنگ نوین آنگاه بر افراشته خوا هدشد که اندیشه های دمو کراتیك نوین به ظفر مندی نهایی بر سد .

بر روشنفکران مترقی و پیشرو است که با تمام افکار اشتباه آمیز تمام گیاهان‌زهراگین وتمام‌اهریمنان افعی صفت مبارزه کنند و راه را برای اشاعهٔ آن باز نگذارند .

بر هنر مندان واقعگرای ومترقی است تا افکار و احساسات خودرا با افکار و احساسات توده ها بسیار میزندوجامعهٔ‌خویش‌رابصورت همه جانبه ودقیق بر رسی کنند . طبقات گونا گون جامعه ومناسبا ت وپیوند های دو جانبهٔ آنها را مورد مطالعه قرار دهند ودر غیر آن آثار هنری شان محتوی ارزنده و ثمر بخشی نخواهد داشت .

«مضطرب» باختری

رقص آتش

من ای همرزم وهمزنجیر وهم‌سنگر همیدانم ،
من ای همرزم وهمزنجیر و هم‌سنگر همیدانم
«که جاویدان نباشد این سیاهی وین نگونکاری»
«ندارد پایهٔ دیر ندگی او رنگ‌اهریمن »
« سرآیداین‌شب تاریك‌وغمگستر»
«ودر فرجام این تار یکی تلخ‌وروان فرسا »
«برآید آفتاب سرخ از خاور »

* * *

من‌ای همر زم وهمزنجیر و هم‌سنگر همیدانم
من ای همرزم وهمزنجیر و هم‌سنگر همیدانم
که از حما سهٔ این شعله برق‌خشم‌خواهد جست .
شگوفا تر گل خونین رستا خیزخواهد خاست
وزین گل میوهٔ آزادی جاویدخواهی چید
طنین نعرهٔ پیکار جویان در دل‌صحرای رعب آور
صلای مرگ دژخیم است
من‌ای همرزم وهمز نجیر وهم‌سنگر همیدانم
که این حما سهٔ « رقص آتش و خو ن » است
ستیغ کهسار از خون ماگلر نگ‌خواهد شد
بلور پیکر خونین مادر « سنگرپیکار هستی ساز دشمن سوز »
شفق هرشامگاهان رقص شو رانگیز خواهدکرد .

* * *

من ای همرزم وهمزنجیر و هم‌سنگر همیدانم
که مرگ ما«پری‌قو»نیست «کوه»هست وگران سنگ است
پیام مردم رزمندهٔ دلتای مکو نگ چنین گوید :
چه باك از مرگ آخر زندگی دربردگی ننگ است
تودر پیکار آزادی بجز زنجیرخودچیزی نخواهی داد وخواهی‌برد ،
جهانی‌راکه مزدشست رنج‌بیکران‌تست .
تو ای همرزم و همزنجیر و هم‌سنگر زجا برخیز
که : همچون دانه اندر کشتزارخاطر برزیگران رویم
شگوفان تر شویم آنگاه وبانیروی‌رعب انگیز وتو فان زای
برافرازیم پرچم را وافرو زیم‌آتش را
وجاویدان کنیم این رقص آتش‌خیز رزم آرا
که تا این ناکسان سوزند و آن‌اهریمنان سوزند ...

نامه یك رنجبر

کار کنان جریدهٔ شعله جاوید !

در و دکرم و آتشین خود را به نمایندگی تمام رنجبران کشور به همهٔ تان تقدیم میدارم و مساعی شما را در نشر این جریدهٔ ارزنده تقدیر می نمایم . موفقیت شایان تان آرزوی قلبی ما رنجبرا ن می باشد .

پیروزی و شادکامی نصیب ما و شما خواهد بود زیرا زندگی‌ساخته دست ما رنجبران‌وشما روشنفکران مترقی میباشد اگرامروز ارتجا ع نیرو مند است وخلقها را بزنجیر می کشد بالاخره سیل خرو شا ن خشم سازند گان تاریخ نا بـو دش خواهد ساخت .

من هم یقین کامل دارم که آزادی حقیقی طبقات رنجبر فقط بدست خود رنجبران می تواند انجام گیرد.

پیروز باشید ـ رفیق همرزم شما م ـ ا کارگر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
داکتر ر حیم (محمو د ی)
آدرس حصه اول جاده میو ند
حساب در پښتنی تجارتی بانك
(۷۲۷٤)

حق‌الاشتراك

قیمت هر شماره د و افغانی
هر پنجشنبه نشر میشود

مرکز	۱۰۰ افغانی
ولایات	۱۱۰ «
خارج	۱۰ دالر

دولتی مطبعه

آژانس دلخك

خبر نگار ما گزارش میدهد کـه‌بروز چهار شنبه ۱٤ حمل یك نفر از کار گران فابریکهٔ جنگلك کـه‌برای اجرا ی کار رسمی از محل وظیفهٔ خویش بسوی یکی از شعبات‌روان بود وبا رئیس فابریکه مقابل شد بدون اینکه مراتب احترامی‌را که رئیس فابریکه از کار گرا ن متوقع است بجا آرد براه خود ادامه‌داد :

رئیس فابریکه این حرکت کارگر جوانرا نسبت بخود بی احترامی تلقی کرده بالای وی حمله کرد واورا مورد ضرب وشتم قرار داد و سپس به مامورین خود امر کـردکه از کار اخراجش کنند .

شعلهٔ جاوید این روش جابرا نه‌را شدیداً تقبیح مـی کنـد واز کار گران خواستار است که برای جلوگیری همچو تعدیات قانوناً دست بـکا ر شونـد.و نـگـذ ا ر نـدکه یکی از همـر زمان آنها مـور د اجحاف واهانت قرار گیرد .